

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از پرستاران - 3 / تیر / 1383

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به شما پرستاران عزیز که حقیقتاً فرشتگان رحمت برای همه ی افراد بیمار و بیماردار جامعه محسوب می شوید، خوش آمد عرض می کنیم و روز پرستار را که مصادف با روز ولادت بانوی فداکار تاریخ اسلام، زینب کبری، است تبریک عرض می کنیم. آن بزرگوار هم مثل شما دشوارترین کار را در صحنه ی عاشورا بر عهده داشت؛ یعنی پرستاری از کودکان، درماندگان، زنان و بی پناهان.

من امروز در این جلسه که بحمدالله توفیق پیدا کردم با شما عزیزان دیدار کنم، آنچه عرض خواهم کرد، صرفاً درباره ی حرفه ی پرستاری و وظایف همگان در قبال کسانی است که به این حرفه ی بسیار سخت سرگرم هستند؛ چه مردم و چه مسؤولان.

یک جمله عرض می کنم که این برای شما که خودتان پرستارید، روشن است؛ خیلی از مردم هم می دانند، اما باید فهم عمومی جامعه و فرهنگ عام مردم ما این مطلب را بدرستی درک کند که برای حفظ سلامتی در جامعه، اهمیت پرستاری در طراز اول قرار دارد؛ یعنی اگر بهترین پزشکان و جراحان کار خودشان را با بیمار به بهترین وجه انجام دهند، اما از آن بیمار پرستاری نشود، به طور غالب، کار آن پزشک یا جراح عالیقدر بی فایده خواهد بود. نقش پرستاری و بیمارداری در حفظ سلامت و بازگشت سلامت بیمار، نقش درجه ی اول است؛ معادل است با نقش یک پزشک ماهر. بسیاری از این نکته غفلت دارند؛ لذا آن وزن و ارزشی که باید برای پرستار در نظر گرفته شود، از ذهن آنها مغفول می ماند و به آن توجه نمی کنند.

نکته ی دیگری که باز شما بهتر از همه کس آن را می دانید، اما مردم و مسؤولان ما باید بدانند و به آن توجه کنند، این است که پرستاری یکی از سخت ترین کارها از لحاظ فشار روحی و جسمی برای پرستار است. نشستن پهلوی بیمار، معاشر بودن دائمی با بیمار، شکوه ی بیمار را شنیدن، با او به مهربانی رفتار کردن، به او لبخند زدن، او را با عمل، رفتار و پذیرایی خود از رنجهای فراوان دوران بیماری رهانندن، تحمل پولادین لازم دارد؛ پرستار با چنین وضعیتی روبه روست. بیماری که درد می کشد، بیماری که امید زندگی در او ضعیف می شود، بیماری که دسترسی به هیچ کس و هیچ جا ندارد؛ بخصوص بیمارانی که کودک اند، یا دچار بیماریهای بسیار سخت اند، یا در دوران مراقبتهای ویژه هستند، ببینید که پرستاری و بیمارداری از چنین کسانی چقدر فشار بر روی روح، جسم و اعصاب وارد می کند. چه سرمایه ی عظیمی از حلم و تحمل و گذشت و مدارا و اخلاق خوش لازم است تا پرستار بتواند با این بیمار سر کند. اما منش بیمار با پرستار، برعکس منش پرستاری، مهربانی نیست؛ گاهی تندی است. علاوه بر بیمار، کسان بیمار هم که دور و بر او هستند، اگر خدمتی اندکی دیر شود، توقعاتشان نسبت به پرستار حالت اعتراض می گیرد؛ گاهی تندی می کنند و گاهی پرخاش؛ تحمل اینها خیلی سخت است. سختی کار پرستار سختی جسمی نیست؛ کلنگ زدن و در فضای سخت فرض بفرمایید معدن یا امثال آن رفتن نیست؛ اما از لحاظ فشار روحی و عصبی از آن سخت تر است. همه ی کسانی که سختی مشاغل را درجه بندی می کنند، باید این نکته را در نظر داشته باشند. جدای از اینها، پرستار از خانه، از همسر، از فرزندان؛ شب، روز، نیمه شب، ایام عید، روزهای جمعه و ایام تعطیل که مردم سرگرم تفریح و گذراندن تعطیلی خودشان هستند، دور است. پرستار نمی تواند بیمار و بیمارستان را رها کند؛ به این مسائل باید توجه شود. کار سخت، وقت شناسی، همیشه حاضر بودن، جدای از محیط زندگی، سختی کار را مضاعف می کند. به نظر من همه ی مردم ما و همه ی کسانی که به سرنوشت بیماران و به سلامت کشور اهمیت می دهند، بایستی به قشر پرستار توجه و محبت و اهمیت نشان بدهند؛ چه مسؤولان، چه آحاد مردم. فرهنگ جامعه باید اهمیت کار پرستار و دشواری آن را بشناسد. این، آن مطلبی است که مایل بودم و مایل هم آحاد مردم و هم مسؤولان در حد مقدرات دولتی - چه برای امکان استخدام پرستاران جدید، چه برای رسیدگی به مسائل معیشتی آنها و همه ی مسائلی که مورد انتظار است - به آن توجه کنند و از این زاویه به موضوع

نگاه کنند.

اما آنچه به شما پرستاران می‌خواهم عرض کنم، این است که کار همان‌طور که گفتیم و خیلی بیشتر از آن را خود شما حس و لمس می‌کنید، بدون تردید دشوار است، اما در میزان الهی، کفه‌های دشواری و پاداش همیشه با هم برابر هستند. امکان ندارد که کاری دشوارتر باشد، اما پاداش آن با کاری که دشواری اش کمتر از آن است برابر باشد، یا از آن کمتر باشد. در میزان الهی، همه چیز با محاسبه است؛ «مقال ذرة» که در قرآن خوانده‌اید؛ یعنی به قدر سنگینی يك ذره. ذره یعنی آن ذرات و غباری که شما با چشم آنها را نمی‌بینید؛ مگر هنگامی که از يك روزنه نوری داخل اتاق بتابد، بعد شما این ذرات شناور را در فضا می‌بینید. يك ذره، یعنی يك دانه از آنها، چقدر سنگینی دارد؟ به قدر سنگینی آن، در میزان الهی محاسبه است. بنابراین اگر شما کار نیکی انجام بدهید، این کار نیک در ترازوی محاسبه‌ی الهی به حساب می‌آید و وقتی آن را با نیت خالص و برای خدا و با انگیزه‌ی معنوی و الهی انجام دهید، همان ذره پیش‌خداي متعال بتدریج به يك کوه؛ کوه ثواب، تبدیل می‌شود؛ به کار خودتان به این چشم نگاه کنید. همان‌طور که گفتم، پرستار فرشته‌ی رحمت برای بیمار است. آن وقت که بیمار از همه جا دستش کوتاه است، در آن ساعاتی که حتی همسر، فرزندان و پدر و مادر بیمار هم بالای سرش نیستند، چشم امیدش بعد از خدا به پرستار است و این پرستار است که مثل ملائکه‌ی آسمانی، مثل فرشتگان رحمت، به دردها، مشکلات و نیازهای جسمی و عاطفی او پاسخ می‌دهد؛ اینها خیلی مهم است؛ اینها پیش‌خداي متعال فراموش نمی‌شود. البته ممکن است هیچ چشمی هم این زحمت شما را نبیند. خیلی از زحماتی که شما می‌کشید و رنجهایی که می‌برید، کسی آنها را نمی‌بیند. گاهی يك لبخند شما به بیمار دل‌افسوده، به او جان دوباره می‌دهد. چه کسی این لبخند را می‌بیند؟ چه کسی آن را به حساب می‌آورد؟ چه کسی يك معادل و پاداش مالی و پولی در مقابل این لبخند می‌گذارد؟ هیچکس؛ اما کرام‌الکاتبین می‌بینند؛ محاسبه‌گران میزان الهی همین لبخند شما را می‌بینند. اگر در عوض لبخند، اخم هم بکنید، اخم شما را هم می‌بینند. هیچ حسنه و هیچ سیئه‌ی از دید تیزبین حسابگران دیوان الهی و میزان الهی غائب نیست. قدر این کار و این خدمت باارزش را بدانید. اگر يك وقت دیگران قدرناشناسی کردند، خود شما قدر این کار را بدانید؛ این کار بسیار کار مهمی است. در روایت هست که کسی که بر سر بیمار می‌رود، مثل کسی است که در رحمت الهی غوطه‌ور می‌شود. ممکن است بعضی تعجب کنند که مگر بر سر بیمار رفتن چه خصوصیتی دارد. خود شما که نیاز بیمار و تأثیر کار خودتان را می‌دانید، می‌فهمید که چرا چنین پاداش بزرگی برای بیماردار و پرستار گذاشته شده است؛ چون تأثیر آن تأثیر غیرقابل محاسبه و برتر از محاسبات معمولی است. روحیه دادن به مریض گاهی از دادن داروی او بسیار حیات بخش‌تر و مؤثرتر است؛ این روحیه را شما می‌دهید. در دعاها می‌خوانیم: «اللهم ائی اسألك موجبات رحمتك»؛ رحمت الهی را که بی محاسبه و بی جهت به کسی نمی‌دهند؛ باید التماس کرد پیش‌خدا تا موجبات رحمت را به ما بدهد؛ یعنی آن کاری را انجام بدهیم که موجب رحمت می‌شود، تا بعد خدا رحمت خودش را بفرستد. این کار، برترین موجبات رحمت است، که خیلی مغتنم و خیلی باارزش است. این، آن نکته‌ی بی‌بود که مایل بودم شما توجه کنید و بدانید مشغول چه کار باارزشی هستید.

و اما نکته‌ی بی‌که به مسؤولان عرض می‌کنم - که دیدم الان همین مطلب را آقای دکتر پزشکیان به من گفتند و درست هم است - این است که مسؤولان ذریب مسائل مدیریتی کشور بایستی برای این شغل يك باب جداگانه و تازه‌ی باز کنند. مسأله‌ی استخدام، مسأله‌ی آموزش در حین خدمت، استراحت دادن به قشر پرستار، موضوعاتی است که در ماهیت کار پرستاری اثر می‌گذارد. اگر نقش پرستار این قدر مهم است - که هست - پس پرستار خسته، پرستار از کار مانده، پرستار چند نوبت کاری پشت سر هم کار کرده‌ی از روی ناچاری، دیگر نمی‌تواند این نقش را ایفا کند. پرستاری که با دلزدگی و بی‌حوصلگی و خستگی بخواهد کار کند و راضی از کار خود نباشد، دیگر نمی‌تواند این نقش را ایفا کند. پرستار باید با نشاط، سرحال، آماده و شائق به خدمت، آشنای با معلوماتی که او را کمک می‌کند به خدمت، باشد و امکانات و مقدمات این مسائل را بایستی مسؤولان فراهم کنند. البته یقیناً برای مسؤولان محدودیتهایی وجود دارد که نه شما و نه بنده و نه هیچکس دیگر نباید توقع کنیم که دولت فراتر از امکانات و محدودیتهای خود کاری را انجام دهد. مسأله‌ی دولت، مسأله‌ی مسؤولیت برای همه‌ی کشور و همه‌ی قشرهاست،

ولی در چهارچوب همین امکانات بایستی همه ی تلاش را بکنند و همه ی کار خودشان را انجام دهند تا بتوانند این وظیفه ی بزرگ و این خدمت باارزش را آن طور که هست، از آب دریاورند. از خدای متعال بایستی کمک و توفیق خدمت بخواهیم. اگر خدای متعال به ما در هر رده یی توفیق خدمت بدهد، این بزرگترین سعادت و بزرگترین خوشبختی برای ماست. از خدا بخواهیم که هر کدامان در هر جایی که هستیم، بتوانیم به وظایف خودمان ان شاءالله عمل کنیم و ان شاءالله زحمات شما و خدمات قشر عزیز پرستار مشمول الطاف و رحمت الهی و توجهات خاص حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشد. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته